

تسامح فضائل نگاران در روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام*

محمد کاظم رحمان ستایش* و سید حیدر طباطبایی حکیم***

چکیده

قاعده تسامح در ادله سنن یکی از قواعد مشهور نزد حدیث‌پژوهان به ویژه فقهاست و مستند عمده آن روایاتی است که در منابع فریقین به روایات «من بلغ» معروف شده است. مشهورترین تفسیر از این روایات، اسقاط شرایط حجیت خبر در مستحبات است. این روایات سبب تسامح فقها در ادله سنن نیز شده است. برخی معتقدند این تسامح به حوزه روایات فقهی محدود نیست بلکه در روایات عقاید، تاریخ، سیره و تفسیر و نیز روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام دقت لازم صورت نگرفته است. در این نوشتار به منظور بررسی صحت و سقم ادعای راهبایی تسامح در روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، با بیان مستند این قاعده و بر اساس برداشت‌های اندیشمندان امامیه از آن، اثبات می‌شود که ثبوتاً حجم عمده روایات فضائل از شمول این قاعده خارج بوده، فقط در حجم کمی از روایات فضائل غیر امامی اهل بیت علیهم‌السلام ادعای تسامح قابل طرح است؛ همچنان که اثباتاً نیز شواهدی بر عدم رخداد چنین سهل‌انگاری در سیره فضائل نگاران فریقین اقامه می‌شود. این شواهد، از آنچه در مقدمه تألیفاتشان یا در مطالب آغازین آن آمده است، به عنوان آینه‌ای برای کشف نگاه آن فضائل نگاران به روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: تسامح در ادله، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، فضائل نگاری، روایات «من بلغ».

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۵/۱۴.

** . استادیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) kr.setayesh@gmail.com

*** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه sydhaidar76@yahoo.com

مقدمه

چندی است که برخی معاصران از لزوم بازنگری در میراث روایی امامیه سخن رانده و بر لزوم پالایش و تمییز روایات صحیح از غیر صحیح در منابع روایی معتبر و مورد اعتماد آنان تأکید می‌کنند (ر.ک: بهبودی، صحیح الکافی، ۱۴۰۱: مقدمه مؤلف؛ جهانبخش، سه گفتار در غلو پژوهی، ۱۳۹۰: ۸۳).

در این خصوص باید گفت تمییز روایات سره از ناسره، گرچه به خودی خود، آرمانی، بسیار پسندیده و بجاست^[۱]، ولی تحقق خارجی آن به علل فراوانی با استقبال محافل علمی امامیه مواجه نشده است. برخی از این علل عبارت است از: عدم امکان ارزیابی قطعی محققان معاصر، با وجود مفقود شدن قرائن صدور روایات؛ پیچیدگی‌ها و تنوع روشی اجرای این پیشنهاد؛ کیفیت تعریف معیارهای صحت و ضعف روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام؛ اختلاف نظر پژوهشگران حوزه حدیث؛ عدم حجیت این اجتهادات تصحیحی بر دیگر مجتهدان و ...

البته برخی دیگر از معاصران از عدم توجه لازم علمای امامیه به روایات غیر فقهی، اعم از روایات تاریخی، سیره، تفسیری، معارف و ... شکوه دارند (ر.ک: عسکری، عبدالله بن سبأ، ۱۴۱۳: ۲/۲۰۳؛ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۸: ۲۰/۱۷۰-۱۷۲).^[۲] به نظر می‌رسد، گله‌مندی آنان نیز تا حدی متین باشد، اما اینکه این عدم اهتمام به پالایش روایات غیر فقهی، از باب التزام به قاعده تسامح در ادله سنن و جریان آن در غیر سنن بوده باشد، ادعایی است که در این نوشتار، میزان صحت و سقم بخشی از آن، یعنی آن مقدار که به حوزه روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام مربوط می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۲

باز نگاهی به قاعده تسامح در ادله سنن

پیش از پرداختن به راهیابی یا عدم راهیابی تسامح در ادله روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام لازم است در مورد مستندات خود قاعده تسامح در ادله سنن، نگاهی اجمالی صورت گیرد.

الف) بررسی استنادی قاعده

این قاعده عمدتاً بر اساس روایاتی در منابع روایی امامیه و نیز اهل سنت شکل گرفته که به روایات «من بلغ» معروف است.^[۳] در میان آنها روایات صحیح‌السند و معتبر وجود دارد و حتی برخی از اصولیون، در مورد این روایات در منابع روایی امامیه، ادعای تواتر اجمالی یا معنوی یا استفاضه کرده‌اند (تبریزی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۱۳۶۹: ۳۰۰؛ اصفهانی، وسیلة الوصول الی حقائق الأصول، ۱۴۲۲: ۱/ ۶۱۴؛ میرزای قمی، قوانین الاصول، ۱۳۷۸: ۴۸۴؛ تنکابنی، ایضاح الفرائد، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۹۵؛ بجنوردی، القواعد الفقهية، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۳۱؛ نیز ر.ک: میر محمدی، تسامح در ادله سنن، ۱۳۶۸: ۴۷ و ۴۸/ ۷-۱۱؛ حسینی آل‌المجدد، حدیث التسامح فی ادلة السنن سنداً و متنأً، ۱۴۱۸: ۲/ ۲۷۸) شیخ انصاری که رساله مستقلی را به این قاعده اختصاص داده، با وجود روایات صحیح‌السند در بین این روایات و تلقی به قبول نمودن علماء مدقق امامیه، این روایات را از بررسی سندی بی‌نیاز می‌بیند (تبریزی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۱۳۶۹: ۳۰۰). البته برخی از معاصران همچون هاشم معروف حسینی و آلبانی و برخی دیگر، صحت صدور روایات من بلغ را نپذیرفته و این روایات را بدون اقامه دلیلی خاص، به صرف همراستایی کلی با پدیده جعل حدیث، ساخته زنادقه و مانند آنان معرفی کرده‌اند (ر.ک: حسینی، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، بی‌تا: ۱۷۰؛ بهبودی، صحیح‌الکافی، ۱۴۰۱: مقدمه مؤلف؛ بیضانی، مبانی نقد متن الحدیث، ۱۳۸۵: ۳۸؛ باقری، مقاله «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، ۱۳۸۲: ۵ و ۶/ ۴۲-۶۰؛ آلبانی، سلسلة الأحادیث الضعيفة والموضوعة، ۱۴۱۲: ۱/ ۶۴۷؛ الحوت، أسنى المطالب فی احادیث مختلفة المراتب، بی‌تا: ۱/ ۲۶۵ به نقل از: ابن جوزی).

ب) مفاد قاعده

مفاد روایات «من بلغ» آن است که چنانچه خبری از ترتب ثواب بر عملی حکایت کند، در صورت اخذ به آن روایت و عمل به آن، ثواب مذکور در روایت داده می‌شود، حتی اگر آن روایت صادر نشده باشد.

البته از روایات «من بلغ» برداشت‌های متفاوتی شده است (ر.ک: تبریزی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۱۳۶۹: ۳۰۲-۳۰۳؛ بجنوردی، القواعد الفقهية، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۲۹-۳۴۰؛ نجفی، شرح فارسی کفایة الأصول، بی‌تا: ۵/ ۹۶) که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. حجیت خبر ضعیف در مستحبات

بر اساس این برداشت که مورد نظر مشهور فقهای امامیه است، مراد از تسامح در ادله سنن، اسقاط شرایط حجیت خبر در باب مستحبات یعنی عدم اشتراط عدالت و وثاقت در راوی اخبار مستحبات است (نائینی، فوائد الأصول، ۱۳۷۶: ۳/ ۴۱۲؛ برای مطالعه این دیدگاه و رد آن توسط مرحوم خوئی ر.ک: خوئی، مصباح الأصول، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۶۹). البته بعضی آن را به نواهی غیر الزامی یعنی مکروهات نیز تعمیم داده (صدر، بحوث فی علم الأصول، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۳۲) برخی دیگر آن را در مورد روایات مواعظ و قصص نیز جاری کرده‌اند (انصاری، رسائل فقهیه، ۱۴۱۴: ۱۵۸).

شایان ذکر است چنانچه از این روایات، حجیت خبر ضعیف فهمیده شود، این روایات، با آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات/ ۶) که بر عدم حجیت خبر فاسق دلالت دارد، در تعارض قرار می‌گیرد. البته برخی از اصولیون برای آن چاره جویی کرده‌اند (ر.ک: یزدی، حاشیه فرائد الأصول، ۱۴۲۶: ۲/ ۱۹۹؛ طباطبایی، مفاتیح الأصول، ۱۲۹۶: ۳۴۶؛ صدر، خلاصة الفصول فی علم الأصول، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۷؛ تبریزی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۱۳۶۹: ۳۰۲). همچنان که برخی از معاصران، تعارضات دیگری را نیز با آیات دیگر و سنت قطعی و مسلمات حدیثی مطرح کرده‌اند (ر.ک: باقری، مقاله «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، ۱۳۸۲: ۵ و ۶/ ۶۱-۷۰) که بررسی آنها، نوشتار دیگری می‌طلبد.

۲. ارشاد به حکم عقل در حسن احتیاط در امور مطلوب احتمالی و حسن انقیاد و فرمانبری و استحقاق ثواب برای محتاط.

بر اساس این برداشت، روایات «من بلغ» در صدد اثبات حجیت برای روایات ضعیف و ثابت نشده، نیست، بلکه در مقام بیان لطف الهی در مأیوس نکردن و قطع نکردن امید هر متقربی به درگاه ربوبی بوده، در صدد تشویق به رجاء ثواب از خداوند متعال و نکوهش تأخیر در خیرات یا ترک التزام به آن است. گویا شارع با وجود اهتمام به عموم مستحبات و سنن، از آنجا که اکتفا به طرق شرعی تحصیل تکلیف را موجب تفویت بعضی از امور مطلوب می‌بیند، با بیان این راهکار، روشی برای مراقبت از تفویت فرصت‌های امتثال اعمال خیر ارائه کرده است (مکارم شیرازی، انوار الأصول، ۱۴۲۸: ۳/ ۸۲ و ۹۱).

۳. جعل حجیت برای مطلق بلوغ.

بدین معنا که اگر مستحبات از هر طریقی به انسان برسد، حجت می‌شود (نائینی، فوائد الأصول، ۱۳۷۶: ۳ / ۴۱۵).

۴. انشای استحباب واقعی نفسی برای هر عملی که به مکلف می‌رسد (صدر، دروس فی علم الأصول، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۹۴).

۵. مراد از روایات من بلغ وعده‌ای مولوی است به اینکه عمل کننده به روایت، همان ثواب مذکور در روایت را می‌برد؛ به جهت مصلحتی که در خود وعده دادن است، گرچه این مصلحت همان تشویق به احتیاط باشد، به اعتبار آنکه احتیاط عقلاً خوب است (همان).

۶. مفاد روایات «من بلغ»، صرف اخبار از فضل الهی است و اصلاً ناظر به حال عمل نیست (نائینی، فوائد الأصول، ۱۳۷۶: ۳ / ۴۰۹).

۷. مراد بیان این نکته است که امثال و پذیرش ترتب ثواب بر اخبار واصله، خود نوعی اطاعت است؛ به عبارت دیگر، در خصوص ترتب ثواب، «انقیاد» (فرمان‌پذیری)، در حکم «اطاعت» است با این فرق که ترتب ثواب بر «اطاعت»، استحقاقی و بر «انقیاد»، تفضلی است (بجنوردی، القواعد الفقهية، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۳۰).

از مجموع احتمالات هفتگانه فوق، تنها احتمال اول به موضوع این نوشتار مرتبط است و احتمالات دیگر، با قطع نظر از میزان اتقان، اساساً مورد نظر نیست و در صورت پذیرش هر کدام از این احتمالات ششگانه، توسط یک مناقب نگار، نمی‌توان بی‌مبالاتی او را در ذکر اسناد و تحقیق در صحت سندی و اعتبار روایت، به این قاعده و روایات «من بلغ» نسبت داد. در مورد راهیابی تسامح در ادله فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، بایسته است که بحث را در دو مقام ثبوتی یعنی شمول نظری قاعده تسامح در روایات فضائل و مقام اثباتی یعنی رخداد خارجی این تسامح در روش فضائل نگاران، به صورت مستقل مطرح نمود:

بخش اول - شمول قاعده تسامح بر روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام)

در خصوص جریان این قاعده در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، افراد زیادی سخن نگفته‌اند. البته میان کسانی که متعرض ارتباط قاعده تسامح با روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) شده‌اند نیز اختلاف نظر وجود دارد.

در برخی از گزارش‌ها جریان این قاعده در مورد روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به مشهور امامیه نسبت داده شده است؛ از جمله کسانی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند، می‌توان به محقق نراقی در کتاب *انیس المجتهدین فی علم الاصول* و نیز کتاب *محررق القلوب* (آشتیانی، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، ۱۴۲۹: ۷۲ / ۲)، شیخ انصاری، محقق اصفهانی و مرحوم آشتیانی و از معاصران به آیت الله سبحانی اشاره کرد.

در مقابل، آیت الله سید محمد تنکابنی در شرح خود بر *فرائد الاصول* شیخ انصاری، و آیت الله خویی و شهید صدر را می‌توان نام برد که با شمول اخبار «من بلغ» بر روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام مخالفت کرده‌اند. تفصیل اقوال مخالفان و موافقان در ذیل بیان می‌شود.

الف) موافقان و ادله آنها

شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق)، ضمن بیان اینکه عمل به هر روایتی بر حسب مفاد آن روایت ممکن است متفاوت باشد و عمل به روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، همچون قصص و مواظب به استماع آن و ضبط در قلب و نقل آن روایات است، به دخول روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در ضمن اخبار من بلغ تصریح کرده و معتقد به جواز نقل روایتی است که با سند ضعیف، فضیلتی را برای اهل بیت علیهم‌السلام بیان می‌کند. البته وی تذکر می‌دهد که این ضعف نباید به حد جعلی بودن روایت برسد. دلیل ایشان بر این جواز تسامح، دلیل عقلی حسن عمل به این روایات (در صورت عدم ترتب ضرر احتمالی بر فرض دروغ بودن آن روایت) و همان روایات «من بلغ» است (انصاری، رسائل فقهیه، ۱۴۱۴: ۱۵۸؛ تبریزی، اوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۱۳۶۹: ۳۰۴).

مرحوم آشتیانی (م ۱۳۱۹ق)، نیز دلیل تعمیم ادله تسامح بر روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را ثبوت قطعی رجحان در نقل، کتابت و استماع فضائل اهل بیت علیهم‌السلام دانسته است؛ لذا خبر واحد ضعیف مربوط به فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را همچون خبر صحیح به منزله اخبار از ترتب ثواب بر نقل و استماع آن معرفی می‌کند (آشتیانی، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، ۱۴۲۹: ۴۹ / ۵).

محقق اصفهانی (م ۱۳۶۱ق)، به رغم مخالفت با جریان قاعده تسامح بر روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام فقط در صورتی اخبار «من بلغ» را شامل روایات فضائل می‌داند که مفاد آنها را اثبات حجیت خبر ضعیف بدانیم؛ چرا که لازمه آن، حجت شرعی شدن اخبار ضعیف فضائل اهل بیت علیهم‌السلام بوده و از تحت عنوان کذب قبیح و حرام خارج می‌شوند (اصفهانی، نه‌ایة الدرایة، ۱۳۷۴: ۱۹۳ / ۴).

برخی از محققان معاصر به ورود روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در مفاد اخبار «من بلغ» تصریح کرده است. وی با اشاره به عدم صدق عرفی عنوان کاذب بر ناقل چنین روایت غیر مطمئنی که راوی آن به جعلی بودن روایت یقین ندارد و نیز با اشاره به لزوم اطلاق عنوان «اشتباه کننده» به جای عنوان «دروغگو» بر وی، در صورت عدم مطابقت روایت فضائل با واقع، بر وجود مقتضی برای شمول اخبار «من بلغ» بر روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) به صورت قطع اصرار کرده و مانع آن یعنی وقوع در کذب محرم را نیز از طریق بیان مستند روایت قابل رفع دانسته است؛ لذا معتقد است که نقل و نشر فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در اخبار ضعیف، به سه شرط جایز است. آن سه شرط عبارت است از: الف) در هنگام نقل چنین فضائلی مستند آن ذکر شود، ب) ضعف خبر به حد جعلی بودن نرسد، ج) مضمون آن، غالبانه و اغراق آمیز نباشد (سبحانی، الرسائل الأربع، ۱۴۱۵: ۴/ ۸۲).

برخی دیگر از محققان معاصر بر آن است که با وجود عدم علم به مخالفت روایت فضائل با واقع و محتمل بودن چنین مخالفتی، این اخبار نه کذب، بلکه محتمل الکذب می‌شود و با وجود شک در موضوع، ادله حرمت کذب شامل این اخبار نمی‌شود و در مورد وجود علم اجمالی به مخالفت این روایات با واقع، این مخالفت را احتمالی دانسته و مانعی در جواز مخالفت احتمالی و ترخیص شارع برای آن ندیده است؛ لذا محذوری در حکم به استحباب نقل فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در روایات ضعیف احساس نمی‌کند. (روحانی، زیدة الأصول، ۱۳۸۲: ۴/ ۴۵۸).

البته از محقق نراقی نیز نقل شده که وی برای شمول تسامح بر روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) به رجحان و مطلوبیت ذکر آن فضائل و مناقب و نیز مطلوبیت معاونت بر خوبی و تقوی استدلال کرده است (نراقی، عوائد الایام، ۱۳۷۵: ۷۹۴؛ آشتیانی، بحرال فوائد فی شرح الفرائد، ۱۴۲۹: ۵/ ۴۹).

با ملاحظه مطالب فوق ادله موافقان تسامح در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را می‌توان در سه دسته جای داد:

۱. تعلق ثواب بر نقل روایات ضعیف یا اثبات حجیت برای این روایات با استناد به روایات «من بلغ»؛
۲. رجحان عقلی و استحباب شرعی نقل این روایات و صدق عنوان تعاون در نیکی بر نقل آن؛

۳. عدم ثبوت صدق عنوان «کذب» و در پی آن «حرمت» بر نقل این روایات.^[۴]

ب) مخالفان و ادله آنها

دلیل مرحوم تنکابنی (م ۱۳۵۸ق)، بر این مخالفت، ورود اخبار تسامح در مورد شبهات حکمی و نه شبهات موضوعی است (تنکابنی، ایضاح الفرائد، ۱۳۸۵: ۱۶۴/۲).

محقق اصفهانی (م ۱۳۶۱ق)، بر آن است که از آنجا که کذب قبیح نزد عقلا و محرم نزد شارع، حکایت چیزی است که علم به آن حاصل نشده و حجتی برای آن اقامه نشده باشد و نیز از آنجا که قبح کذب اختصاصی به حالت ضرر رساندن به غیر ندارد، لذا نشر فضیلتی برای اهل بیت (علیهم السلام) که فاقد حجت شرعی است، نزد عقلا قبیح و شرعاً حرام است؛ و معتقد است با این وجود، خواه مفاد اخبار «من بلغ»، ارشاد به حسن انقیاد و تسلیم باشد و خواه اثبات استحباب، در هر حال، شمول اخبار بر چنین موردی پذیرفتنی نیست (اصفهانی، نه‌ایة الدراية، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۴). البته استثناء ایشان در قسمت قبل بیان شد.

آیت الله خویی (م ۱۴۱۳ق)، نیز تفسیر قاعده تسامح در ادله سنن را به إسقاط شرایط حجیت خبر در مستحبات و اعتماد بر خبر ضعیف را از اساس نپذیرفته، مفاد این روایات را مجرد اخبار از فضل الهی و ارشاد به حکم عقل در حسن انقیاد در برابر این اخبار می‌داند (خویی، مصباح الأصول، ۱۴۲۲: ۱/۳۶۹). همچنان که وی اخبار «من بلغ» را ناظر به روایات معتبر و دارای مدرک صحیح دانسته و نقل روایت غیر معتبر را مصداق «قول بغیر علم» محرم معرفی می‌کند (خویی، دراسات فی علم الأصول، ۱۴۱۹: ۳/۳۱۰).

برخی از محققان معاصر نیز با تعلیق بر بیان شیخ انصاری در مورد حسن عقلی عمل به مستحبات در صورت اطمینان از عدم ترتب ضرر، به خوف ترتب ضرر بر نقل متساهلانه فضائل اهل بیت (علیهم السلام) تصریح کرده و معتقدند این تسامح، باب اکاذیب و خرافات را در شرع مقدس می‌گشاید و موجب ورود امور وهن‌آمیز به انبیاء و اوصیاء و معالم و معارفشان می‌شود که ضرری بالاتر از آن متصور نیست (مکارم شیرازی، انوار الأصول، ۱۴۲۸: ۳/۹۰).

با ملاحظه مطالب فوق، ادله مخالفان تسامح در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را می‌توان در سه دسته جای داد:

۱. نکوهش عقلی ترویج امور مشکوک و حرمت شرعی تکلم بغیر علم و تبعیت از جهل؛
۲. عدم فهم تسامح از روایات «من بلغ»؛
۳. ناظر نبودن اخبار «من بلغ» به روایات فضائل.

جمع‌بندی ادله موافقان و مخالفان

قبل از جمع‌بندی نهایی ادله، تذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

یک) روایات جعلی و واضح البطلان از محل بحث خارج است و تطبیق قاعده تسامح بر روایاتی که ضعف دلالتی آنها با اموری نظیر مخالفت با قرآن و سنت قطعی و ... احراز شده، ناصواب است (ر.ک: یزدی، حاشیه فرائد الأصول، ۱۴۲۶: ۲/ ۲۰۴؛ صدر، بحوث فی علم الأصول، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۳۶)؛ به عبارت دیگر، تسامح در ادله ناظر به روایات ضعیف می‌باشد نه روایات جعلی. دو) روایات قطعی الصدور یا محفوف به قرائن صحت و معاضدت شده با دیگر روایات یا شهرت و دیگر قرائن جبران‌کننده ضعف سندی، نیز از محل بحث خارجند.

توضیح آنکه قسمت عمده‌ای از روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) به مقوله افضلیت و لذا حقانیت خلافت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مرتبط بوده و نقشی صغروی در تبیین کبرای امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد و به منزله اقامه دلایلی برای حجیتشان و لزوم تبعیت از آنان می‌باشد. ویژگی این دسته حجیم از روایات، کثرت نقل در منابع امامیه و بازگشتشان به آیات و روایات قطعی الصدور و معاضدتشان با دیگر روایات است. با این وجود از حالت ضعف در سند خارج شده و نیازی به تطبیق قاعده تسامح در این روایات احساس نمی‌شود.

با توجه به دو نکته فوق، پس از خروج روایات فضائل امامتی اهل بیت (علیهم‌السلام) از محل بحث و نیز خروج روایات بازگشت‌کننده به آیات و روایات قطعی الصدور و همچنین خروج روایات معاضدت شده با دیگر اخبار آحاد، باید گفت که در خصوص جریان یا عدم جریان قاعده تسامح در مورد حجم کم باقیمانده از روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها بنا بر برداشت «جواز نقل روایات ضعیف و عدم اشتراط اتصال سند و وثاقت و عدالت تمام راویان» از روایات «من بلغ»، و نیز به دلیل عدم احراز صدق عنوان کذب بر نقل آن، بعید نیست که بتوان به امکان تسامح در ادله حجم زیادی از روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) و جواز نقل آنها حکم کرد، مشروط به آنکه شامل مطالب اغراق‌آمیز و نامأنوس و غیر معروف در بین معارف مربوط به امام‌شناسی نباشد.

اما در صورت وجود برخی از قرائن شک‌برانگیز، به مقتضای لزوم احتیاط در حفظ شخصیت اهل بیت (علیهم‌السلام) و شئون هادیان امت به نظر می‌رسد نتوان در این روایات مسامحه کرد؛ از این رو لازم است از نقل چنین روایاتی پرهیز نمود، مگر اینکه به ضعف روایت تصریح شود.

بنابر برداشت دوم از روایات «من بلغ» (یعنی ارشاد به حکم عقل در حسن احتیاط، انقیاد، تعبد و حسن احتیاط در امور مطلوب احتمالی از اخبار «من بلغ»)، این روایات ناظر به حوزه اعمال و تقریبات استحبابی است و به لطف الهی در ناامید کردن امید هر متقربی به درگاه ربوبی بازگشت می‌کند و در صدد تشویق به اعمال خیر و رجاء ثواب از خداوند متعال است که هیچ کدام از این مباحث در مقوله روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) قابل طرح نبوده و از این جهت، روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) منطاباً با روایات مستحبات متفاوت‌اند. با تسامح در ادله فضائل و نقل مطالب غیر مقطوع الصدور در مورد شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها تنسک و تقریبی متصور نیست که در مورد روایات غیر معروف و نامأنوس، خوف تنقیص و توهین به اولیای الهی و وقوع در ورطه معاونت در گناه و اشاعه کج فهمی از معارف دینی در حوزه نبوت و امامت نیز وجود دارد. هر چند این احتمال ضعیف باشد، به دلیل بالا بودن ارزش محتمل و خطیر بودن این گناه، مقتضای احتیاط، لزوم تدقیق در نسبت برخی از صفات و ویژگی‌های مشکوک، به اهل بیت (علیهم السلام) است.

همچنان که بیان شد، بنابر برداشت‌های سوم تا هفتم از روایات «من بلغ»، قاعده تسامح در ادله سنن از این روایات قابل برداشت نبوده و از اساس فاقد پشتوانه روایی گشته و از محل بحث خارج می‌شود. کلام این نوشتار در مورد تسامح در ادله سنن یعنی اسقاط شرایط حجیت خبر از روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) است که با این برداشت‌ها ارتباطی ندارد.

در هر حال، گرچه روایات فضائل مربوط به احکام الهی نمی‌باشد و حلالی را حرام یا حرامی را حلال نمی‌کنند، ولی هم در مورد فضائل امامتی اهل بیت (علیهم السلام) و هم در فضائل غیر امامتی و غیر اساسی آنان، به دلیل ارتباط با عقاید، امام شناسی و اثبات حجج الهی، شایسته است که دقت لازم در روایات آن صورت گیرد و نباید با قبول تسامح در این روایات، راه را برای ترسیم چهره‌ای ناصواب و غیر واقعی از اهل بیت (علیهم السلام) هموار کرد و معیارها و ضوابط پیامبرشناسی، امام‌شناسی و علامات حجج الهی را در معرض تشویش و هرج و مرج معرفتی قرار داد؛ زیرا تسامح در ادله این دسته از روایات، سبب اعتماد در عقاید و اندیشه‌ها بر اموری سست و غیرمنقح می‌شود که پذیرفتنی نیست.

مگر آنکه در موردی خاص، فضیلتی یافت شود که نقشی در ترسیم شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) نداشته باشد که در این صورت ممکن است با اشتراط عدم علم به جعلی بودن آن و

عدم ترتب لوازم فاسد بر آن و البته بدون نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)، در بررسی صدور روایت آن، تساهل و تسامح نمود که در این صورت هم این تسامح از باب تسامح در ادله سنن یعنی مستحبات نیست.

بخش دوم - بررسی رخدادهای تسامح در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام)

پس از مبحث نظری این قاعده، در خصوص سؤال از رخداد تسامح یا عدم تسامح فضائل نگاران امامیه در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه قاعده تسامح در واقع خارجی تألیفات آنان، باید گفت که قداماً در مقدمه کتب فضائل نگاری خویش، اشاره‌ای به این قاعده نکرده‌اند. اگر این عدم یادکرد را نشانه عدم اعتقاد یا عدم لحاظ آن در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از منظر آنان به شمار نیاوریم، به لحاظ خلاف قاعده بودن تسامح در ادله، بدون اقامه دلیل و وجود قرینه، نمی‌توان گفت که بنای آنان در فضائل نگاری اهل بیت (علیهم السلام) بر اعتماد به روایات ضعیف و مجرد ذکر روایات بدون ملاحظه هر گونه ضابطه و معیار بوده است. بلکه علی القاعده، همچون دیگر نگاشته‌های حدیثی، نگاه حاکم بر آنها، می‌بایست لزوم احتیاط و دقت در نسبت مطالب به خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) بوده باشد.

اما در خصوص واقع خارجی فضائل نگاری امامیه و غیر امامیه، گر چه در برخی منابع به سهل بودن امر روایات فضائل و مناقب تصریح شده (نوری، نفس الرحمن فی فضائل سلمان، ۱۴۱۱: ۱۱۹)^[۶] و در منابع متعددی دیده می‌شود که یا در نقل اسناد روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) اهمال شده یا با وجود ذکر اسناد، از بررسی سندی روایات چشم‌پوشی شده است، به نظر می‌رسد این روش مناقب نگاری را نباید از باب تسامح در ادله سنن و اعتقاد به جریان آن در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در نظر مناقب نگاران دانست؛ آنچه که از مقدمه این کتب و نیز متون آنها به دست می‌آید، آن است که آنان با اعتماد بر آیات قرآن و روایات قطعی فضائل (همچون روایات ثقلین، منزلت، سفینه، غدیر و ...)؛ یا روایات محفوف به قرائن صحت؛ یا به اعتبار تعاضد آنها با شهرت و یا با دیگر روایات جزئی و یا موافقت آنها با دیگر مقوله‌های قطعی اندیشه امامیه همچون عصمت و یا علم و یا قدرت اعجاز گونه اهل بیت (علیهم السلام)، دیگر نیازی به بررسی سندی روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) احساس نمی‌کرده‌اند و آن روایات را به منزله شرح و بیان مصادیق و شواهد صدقی برای آن ادله قطعی به حساب می‌آورده‌اند که مانع استبعاد صدور آن روایات آحاد و حتی سبب تقویت وثوق به صدور آنها می‌شده است.

شاهد بر این مطلب، استناد آن فضائل نگاران در مقدمه کتب خود به آیاتی همچون آیه تطهیر یا آیه مباحله و یا آیات نخست سوره هل اُتی و آغاز ابواب با روایات کثرت غیر قابل احصا و مشهور فضائل امام علی (علیه السلام) یا آیه مودت ذوی القربی و مانند آن است که نمونه‌های این استناد را در بین فضائل نگاران شیعه و اهل سنت در ذیل از نظر می‌گذرانیم:

الف) فضائل نگاران شیعه

از بین منابع شیعیان، اعم از امامیه و غیر امامیه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ابن عقده کوفی (م ۳۳۲ق) زیدی مذهب و جارودی، کتاب فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام) را پس از ذکر فرزندان ابوطالب با بیان القاب قطعی حضرت همچون امیرالمؤمنین، وصی، سید المسلمین و صدیق اکبر آغاز کرده و برای بیان مناقب حضرت از حدیث «اول من اسلم» و محبت ویژه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ایشان و احادیث قطعی مربوط به علم، ایمان و عدل حضرت و نیز احادیث نجوی، طبر و... یاد کرده، از بررسی اسناد روایات چشم‌پوشی نموده است (ر.ک: ابن عقده، فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام)، ۱۴۲۴: ۹-۷۳). همچنان که در فصل بیست و بیست و یکم همین کتاب، مقوله امامت و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را با وجوب معرفت آنان از طریق حدیث متواتر «من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» آغاز و در فصل بعد به بیان تفصیلی آیات نازل شده در حق اهل بیت (علیهم السلام) از جمله آیه مباحله، تطهیر، رد امانات و آیه ولایت و... پرداخته است (ر.ک: همان، ۱۴۵-۱۸۷ و...).

لذا نسبت تسامح در روایات فضائل به ابن عقده کوفی ناصواب به نظر می‌رسد. کسی که شیخ طوسی با عنوان جلیل القدر و عظیم المنزله از او یاد کرده و او را حافظ ۱۲۰ هزار حدیث با سند معرفی نموده است (طوسی، فهرست کتب الشيعة، ۱۴۲۰: ۶۸) ذهبی هم از او با عنوان علامه، حافظ، نادر زمان و یکی از بزرگان حدیث یاد می‌کند (ذهبی، تذکرة الحفاظ، بی تا، ۳/ ۴۰ و ۴۱).

۲۲

۲- شاذان بن جبرئیل قمی (م حدود ۶۰۰ق) در کتاب الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب (علیه السلام) در مقدمه مختصر خود تصریح می‌کند که روایاتش در مورد فضیلت امام علی (علیه السلام) مأخوذ از ثقات و روایات مورد اتفاق بوده و در اولین روایات خود، به حدیث مؤاخات بین حضرت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نیز احادیث ذیل آیه تطهیر اشاره می‌کند (ر.ک: ابن جبرئیل، قمی، الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۳: ۲۱، ۲۵ و ۲۷).

۳- ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) در کتاب *المناقب*، تصریح می‌کند که به علت شهرت روایات از ذکر اسانید آنها خودداری کرده و در مواردی هم به ذکر منابع ناقل روایت اکتفا نموده تا با مراجعه به آنها راه برای اخراج روایات از حد مراسیل باز بماند؛ همچنان که در مواردی دیگر به دلیل تداخل روایات در یکدیگر، نقل آن توسط بسیاری از راویان در حد تبدیل آن به امری ضروری و واجب الالتزام، اجماع شیعه بر آنها یا به دلیل شهرت آنها نزد اهل سنت و تواتر برخی دیگر از روایات، این امور را برای اذعان به صحت روایت کافی دانسته، لزومی در بررسی سندی احساس نمی‌کند (ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، *المناقب*، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۳).

۴- عماد الدین طبری (قرن ۷ ق) در *المناقب*، در اولین باب به شهرت روایی در قالب اهتمام هفتاد و سه فرقه امت اسلامی به نقل فضائل اهل بیت (ع) و مدح آنان و تدوین گسترده روایات فضائلشان اشاره می‌کند (ر.ک: طبری، *مناقب الطاهرین*، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۶).

۵ - جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (قرن هفتم ق) در کتاب *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمم* با حدیث منزلت باب فضائل امام علی (ع) را می‌گشاید (ر.ک: شامی، *الدر النظیم*، ۱۴۲۰: ۳۰۶).

۶ - سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) در کتاب *مدینه المعجز*، به کثرت فضائل امام علی (ع) استناد کرده و پس از ذکر بیش از ۱۰۰ کتاب در مورد امامت و معجزات اهل بیت (ع)، آن معجزات را دلیل صدق ادعای اهل بیت (ع) در مورد خلافت رسول خدا (ص) و هدایت امت پس از حضرت از جانب خداوند متعال دانسته و بعد از آن به بیان امور خارق العاده و کرامات اهل بیت (ع) پرداخته است (ر.ک: بحرانی، *مدینه معجز الأئمة الاثني عشر*، ۱۴۱۳: ۱/ ۳۰-۴۱).

ب) فضائل نگاران اهل سنت

از بین منابع اهل سنت نیز، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ابن بطریق (م ۶۰۰ ق) در مقدمه کتاب *عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الابرار*، بر آغاز هر فصل آن با روایتی در تفسیر آیه تطهیر و آیه مؤدّت ذوی القربی تصریح می‌کند (ر.ک: ابن بطریق، *عمده عیون صحاح الأخبار*، ۱۴۰۷: ۶).

- ۲- عبارت «و هي أشهر من الشمس و القمر و اكثر من الحصى و المدر و قد اخترت منها ما ثبت و اشتهر و هي قسمان: قسم مستنبط من الكتاب و الثاني من السنة الظاهرة التي لا شك فيها و لا ارتياب...» اولین عبارات سبط ابن جوزی حنفی (م ۶۵۴ ق) در باب فضائل امام علی علیه السلام است (ر.ک: ابن الجوزی، تذکرة الخواص، ۱۴۱۸: ۲۳، الباب الثاني).
- ۳- محب الدین طبری (م ۶۹۴ ق) در *ذخائر العقبی* در بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام ابتدا به حدیث ثقلین اشاره می‌کند و جایگاه اهل بیت علیهم السلام را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تبیین می‌نماید (ر.ک: طبری، *ذخائر العقبی* فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام ۱۳۵۶: ۱۶).
- ۴- ابراهیم حموی شافعی (م ۷۳۰ ق) در *فرائد السمطین* نیز با عبارت «و الأبواب كلها فی ذکر مناقب الإمام الذی هو لمدينة العلم باب، و بتفضيله و اصطفائه نزل الوحي و نطق الكتاب، أبی الحسن و الحسين وارث الرسل و مولی الثقلین» روایات فضائل امام علی علیه السلام را آغاز می‌کند (ر.ک: حموی، *فرائد السمطین*، ۱۴۰۰: ۱/ ۲۳).
- ۵- ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ ق) نیز روایات فضائل امام علی علیه السلام را با آیه مباحله آغاز می‌کند (ر.ک: ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۱۳).
- ۶- ابن اثیر جزری (م ۸۸۳ ق) کتاب *أسنى المطالب* را با روایات کثرت فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام شروع می‌نماید (ر.ک: جزری، *أسنى المطالب فی مناقب الإمام علی علیه السلام* بی تا: ۴۶).
- ۷- سیوطی (م ۹۱۱ ق) *إحياء المیت بفضائل اهل البيت* را با آیه مؤدت ذوی القربی و حدیث ثقلین شروع می‌کند (ر.ک: سیوطی، *إحياء المیت بفضائل اهل البيت*، ۱۴۲۱: ۱-۱۱). لذا با توجه به آنچه گذشت، این تساهل باید با توجه به اندراج آن روایات ذیل آیات و روایات قطعی و قواعد کلی فضائل اهل بیت علیهم السلام تحلیل شود که به نظر می‌رسد با وجود دقت در اعتبار آن کلیات، نیازی به ذکر اسناد جزئیات و مصادیق آنها احساس نمی‌شده است؛ به همین ترتیب، نسبت تسامح به عموم فضائل نگاران (بیضانی، مبانی نقد متن الحدیث، ۱۳۸۵: ۳۸) و از جمله محدثان بنامی همچون نسائی در *الخصائص* و حاکم حسکانی در *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل* و ... نسبت درستی نمی‌تواند باشد مگر اینکه قرینه‌ای بر تسامح هر کدام از فضائل نگاران فوق اقامه شود. آن گونه که کلامی از احمد بن حنبل در مورد تساهل در نقل فضائل اعمال و هر چیزی که به جعل یا رفع حکم مرتبط نشود، گزارش شده است (ر.ک: خطیب بغدادی، *الکفایة فی علم الروایة*، بی تا: ۱/ ۱۳۴).

نتیجه

۱. از نتایج این نوشتار، روشن شدن بطلان ادعایی است که راهیابی حجم انبوهی از روایات جعلی فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در میراث روایی امامیه را بر عهده روایات «من بلغ» و تسامح در ادله سنن دانسته است.

۲. از آنجا که نقل یک روایت با احراز بطلان و ساختگی بودن آن بدون تصریح به بطلان، نوعی تدلیس و حرام است، عدم ذکر سند یا عدم بررسی اسناد روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) توسط مناقب نگاران، یقیناً نشانه عدم احراز ساختگی و جعلی بودن این روایات نزد آنها است. نمی‌توان پذیرفت که فضائل نگاران به رغم احراز بطلان مضامین این روایات، تسامحاً به نقل آنها مبادرت می‌کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، حتی در صورت اثبات تسامح تمام فضائل نگاران امامیه در نقل فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، آنچه که از این نقل‌ها فهمیده می‌شود آن است که بطلان روایات مذکور در این منابع برای آنان احراز نشده است و حداقل، احتمال صدور این روایات را می‌داده‌اند.

۳. چنانچه روایات «من بلغ» مطالبه حجت شرعی از ادله مستحبات را استثنا کرده، در دیگر روایات از جمله روایات اعتقادی و نیز فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، همچنان مطالبه حجت و برهان و دلیل برای صحت اسناد و انتساب به شارع و دین ضروری است. «وجود سندی صحیح برای روایت»، یا «محفوظ بودن مضمون به قرائن صحت»، یا «وجود دیگر قرائن اطمینان آور برای صدور روایت» یا «قرار گرفتن آن ذیل روایات کلان و کلی مربوط به فضائل» به عنوان بیان جزئیات و یا مصداق و یا شرح و تبیین آن، و یا «تعاضد با دیگر روایات آحاد فضائل» و یا «تعاضد با علو مضمون» و ... این اسناد و انتساب را ممکن می‌سازد و بدون وجود یکی از این موارد نمی‌توان فضیلتی را به اهل بیت (علیهم السلام) نسبت داد.

۴. بیان شد که تعداد روایاتی که قابل ارجاع به هیچ کدام از فضائل کلان و اساسی امامتی و غیر امامتی اهل بیت (علیهم السلام) همچون علم، قدرت و منزلت الهی آنان نباشد یا هیچ قرینه‌ای از قرائن فوق به بالا رفتن میزان وثوق به صدور آن کمک ننماید، بسیار کم است؛ بدین ترتیب با خروج اکثر روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از حالت ضعف سندی، نسبت کلی تسامح در نقل و ثبت این روایات به بسیاری از فضائل نگاران فریقین پذیرفتنی نیست.

پی‌نوشت‌ها

[۱] آن گونه که از ملاحظه مقدمه اولین جوامع حدیثی شیعه بر می‌آید، این پیشنهاد از سوی برخی از معاصران کلینی و شیخ صدوق به ایشان صورت گرفته و این دو بزرگوار با همین هدف به جمع‌آوری روایات دو کتاب *الکافی* و کتاب *من لایحضره الفقیه* پرداخته‌اند و شیخ طوسی هم با هدف زدودن اختلاف از روایات امامیه به نگاشتن دو کتاب *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار* پرداخته و سعی نموده‌اند به آن جامه عمل بپوشانند.

[۲] برخی گفته‌اند که حوزه شیعی، فقط در فروع فقهی، اصولی شده و در عقاید و معارف هنوز به شیوه اخباریگری عمل می‌کند و در زمینه‌هایی همچون تفسیر، حدیث و تاریخ هنوز جمود خمودآور اخبارگرایانه بر جاست (برای مطالعه این دیدگاه و قائلان آن، ر.ک: جهانبخش، سه گفتار در غلو پژوهی، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۶).

[۳] «عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۷/۲، باب من بلغه ثواب من الله علی عمل؛ «... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ أَلْتَمَسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (همان). از طرق اهل سنت نیز می‌توان به این روایت اشاره کرد: «... عن عبدالرحمن الحلوانی أنه رفع إلى جابر بن عبد الله الأنصاری، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله «من بلغه من الله فضيلة فأخذ بها و عمل بها إيماناً بالله و رجاء ثوابه أعطاه الله ذلك، و إن لم يكن كذلك» (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۸/۲۹۶؛ أبو یعلی موصلی، مسند أبی یعلی، ۱۴۰۴: ۱/۶-۱۶۳، ح ۳۴۴۳؛ طوسی، مستخرج الطوسی علی جامع الأحکام، ۱۴۱۵: ۱/۶۵۶-۵۹).

[۴] برخی از معاصران، سهل‌گیری مبنایی بسیاری از قدمات در باب اخبار فضائل و مناقب را از این باب دانسته که این روایات مربوط به احکام الهی نیست و حلالی را حرام یا حرامی را حلال نمی‌کنند و روایات «من بلغ» را از پیامد اعتماد بر روایات «قولوا فینا ماشئتم» معرفی کرده است (ر.ک: جهانبخش، سه گفتار در غلو پژوهی، ۱۳۹۰: ۸۵).

[۵] البته مخفی‌نماند که به صرف چنین عبارتی نمی‌توان میرزا حسین نوری را به تساهل و تسامح مطلق در روایات فضائل متهم کرد. چنان‌که وی در مورد حسین بن حمدان حضینی (مؤلف کتاب *الهدایه الکبری*)، به تضعیف نجاشی و ابن غضائری و علامه حلی

استناد کرده و به دلیل وجود برخی از غرائب در مرویات او، متفردات وی را نمی‌پذیرد، اما در مورد *الهدایه الکبری* بر آن است که این کتاب در غایت متانت و اتقان و مورد استناد اجلاء محدثان بوده است (ر.ک: نوری، *نفس الرحمن فی فضائل سلمان*، ۱۴۱۱: ۵۶۴-۵۶۶)؛ بنابراین، به صرف وجود تعبیر فوق نمی‌توان وی را به عدم دقت و بی بصیرتی در نقل روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام متهم نمود.

منابع

۱. ابن بطريق حلى، يحيى بن حسن بن حسين، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن جبرئيل قمى، شاذان، الروضة فى فضائل أمير المؤمنين على بن أبى طالب (عليه السلام)، قم: مكتبة الأمين، ۱۴۲۳ق.
۳. ابن جوزى، سبط، تذكرة الخواص، قم: منشورات الشريف الرضى، ۱۴۱۸ق.
۴. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، المناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن صباغ مالكي، على بن محمد بن احمد، الفصول المهمة فى معرفة الائمة، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عقدة، احمد بن محمد بن سعيد، فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، قم: دليل ما، ۱۴۲۴ق.
۷. أبو يعلى موصلى، أحمد بن على بن مثنى، مسند أبى يعلى، تحقيق حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
۸. اصفهاني، محمد حسين، نهاية الدراية، قم: سيد الشهداء، ۱۳۷۴ق.
۹. اصفهاني، سيد ابوالحسن، وسيلة الوصول الى حقائق الأصول، تقارير ميرزا حسن سيادتي سبزوارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ۱۴۲۲ق.
۱۰. ألبانى، محمد ناصر الدين بن حاج نوح، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة، الرياض: دار المعارف، ۱۴۱۲ق.

۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، رسائل فقهية، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۲. آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، بحرال فوائد فی شرح الفرائد، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۹ق.
۱۳. باقری، حمید، «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، مجله حدیث اندیشه، شماره ۶ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۲ش.
۱۴. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهية، قم: الهادی، ۱۳۷۷ش.
۱۵. بحرانی، سید هاشم، مدينة معاجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۱۶. بهبودی، محمد باقر، صحیح الکافی، بی جا: الدار الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۱۷. بیضانی، قاسم، مبانی نقد متن الحدیث، قم: منشورات المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۳۸۵ش.
۱۸. تیریزی، موسی بن جعفر، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹ق.
۱۹. تنکابنی، محمد، إیضاح الفرائد، تهران: المطبعة الاسلامیه (اخوان کتابچی)، ۱۳۸۵ق.
۲۰. جزری، شمس الدین محمد بن محمد، أسنی المطالب فی مناقب الإمام علی (ع)، تهران: نقش جهان، بی تا.
۲۱. جهانبخش، جويا، سه گفتار در غلو پژوهی، تهران: اساطیر، ۱۳۹۰ش.
۲۲. حسنی، هاشم معروف، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
۲۳. حسینی آل المجدد، سید حسن، «حدیث التسامح فی ادلة السنن سنداً و متنأ»، مجله علوم الحدیث، شماره ۲، ۱۴۱۸ق.
۲۴. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، تصحیح مشتاق مظفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.

۲۵. حموی، ابراهیم بن سعد الدین، فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام، بيروت: مؤسسة المحمود، ۱۴۰۰ق.
۲۶. الحوت، محمد بن درويش، أسنى المطالب في احاديث مختلفة المراتب، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
۲۷. خطيب بغدادی، أبو بكر أحمد بن علی، الكفاية في علم الرواية، المدينة المنورة: المكتبة العلمية، بی تا.
۲۸. خطيب بغدادی، أبو بكر أحمد بن علی، تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۲۹. خویی، ابوالقاسم، دراسات في علم الأصول، تقارير علی هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۰. خویی، ابوالقاسم، مصباح الأصول، تقارير محمد سرور بهسودی، قم: مكتبة الداوری، ۱۴۲۲ق.
۳۱. ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۲. روحانی، محمدصادق، زبدة الأصول، تهران: حدیث دل، ۱۳۸۲ش.
۳۳. سبحانی، جعفر، الرسائل الأربع، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۱۵ق.
۳۴. سیوطی، جلال الدین، إحياء الميت بفضائل اهل البيت، تهران: المجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۱ق.
۳۵. شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، الدر التنظيم في مناقب الأئمة اللهاميم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق.
۳۶. صدر عاملی، صدرالدین، خلاصة الفصول في علم الأصول، تهران: چاپخانه سنگی علمی، ۱۳۶۷ق.

۳۷. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الأصول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۱۷ق.
۳۸. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ق.
۳۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)، تحقیق محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۰. طباطبائی، محمد بن علی، مفاتیح الأصول، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۲۹۶ق.
۴۱. طبری، حسن بن علی، مناقب الطاهرين، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹ش.
۴۲. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی (ع)، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ق.
۴۳. طوسی، حسن بن علی بن نصر، مستخرج الطوسی علی جامع الأحکام، تحقیق أنیس بن أحمد بن طاهر الأندونوسی، المدینة المنورة: مکتبه الغرباء الأثرية، ۱۴۱۵ق.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۴۵. عسکری، سید مرتضی، عبدالله بن سبأ و اساطیر أخرى، تهران: توحید، چاپ شانزدهم، ۱۴۱۳ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ش.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول، تقریرات احمد قدسی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۴۹. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، قوانین الاصول، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۸ق.

۵۰. نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ش.
۵۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۵۲. نوری، میرزا حسین، نفس الرحمن فی فضائل سلمان، تحقیق جواد قیومی، تهران: مؤسسه الآفاق، ۱۴۱۱ق.
۵۳. یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، حاشیة فرائد الأصول، تقریرات، محمد ابراهیم یزدی نجفی، قم: دارالهدی، ۱۴۲۶ق.